

<http://www.Yashilmisho.com>

Email: [Info@Yashilmisho.com](mailto:Info@Yashilmisho.com)

Print: 1398/03/28



## زندگینامه دکتر حسن امین لو

در سال ۱۳۲۳ در ایقان از توابع شبستر متولد شدم. در سال ۱۳۳۰ به همت مرحوم مهدی ابراهیمی داریانی که فرد بسیار فرهنگدوستی بود در روستای ما مدرسه‌ای ساخته شد. من نیز جزو اولین دانش‌آموزانی بودم که در آن مدرسه درس خواندم. در سال ۱۳۳۳ به علت کمی درآمدی که در روستا بود پدرم برای کسب و کار به تهران مهاجرت نمود و ما را نیز با خود به تهران برد. این شروع سخت‌ترین روزهای زندگی ما بود. چون پس از مهاجرت به تهران پدرم دچار بیماری سختی گردید. فقر، بیماری و غربت از وطن عرصه زندگی را برای ما دشوار نمود ولی پدر مرحومم که سخت علاقمند ادامه تحصیل من بود به هر نحوی که بود امکانات تحصیلی مرا فراهم نمود. البته خودم نیز با اینکه بیش از دوازده، سیزده سال نداشتم ضمن تحصیل کار می‌کردم تا بخشی از هزینه تحصیل را تأمین نمایم. پدرم در سال ۱۳۳۷ پس از چهار سال بیماری و اقامت در تهران به رحمت ایزدی پیوست. بعد از آن تمام تدبیر زندگی به عهده من که فرزند ذکور و ارشد خانواده بودم و مادر زحمت‌کش و سخت کوشم افتاد. تصمیم به ترک تحصیل گرفتم تا با کار کردن معیشت زندگی خود و خانواده‌ام را تأمین نمایم. مدیر مدرسه‌ای داشتم - که خداوند به سلامت دارد - بواسطه استعداد خوبی که برای درس خواندن داشتم به من محبت زیاد می‌کرد و مانع از ترک تحصیلم شد. بالاخره به هر نحوی بود با کار کردن ضمن تحصیل و همچنین زحمات طاقت‌فرسای مادر مرحومم تا کلاس دهم در تهران و شبستر درس خواندم. در این مدت همیشه از محبت‌های اولیای مدرسه همچون مرحوم فتح‌اله فضل‌اللهی برخوردار بودم. با راهنمایی و کمک ایشان به دانشسرای مقدماتی تبریز راه یافتیم و پس از دو سال تحصیل در سال ۱۳۴۲ با احراز رتبه اول فارغ‌التحصیل و در دبستان شیخ‌محمود شبستری با سمت آموزگاری مشغول کار شدم.

در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه تبریز شدم و در سال ۱۳۴۹ از آن دانشگاه فارغ‌التحصیل گردیدم. در زمان تحصیلی در رشته ادبیات فارسی به شیخ‌محمود شبستر و اثر کم‌نظیر او، گلشن‌راز علاقمند شدم و ضمن مطالعه گلشن‌راز و شرح مفصل آن که توسط شیخ‌محمد لاهیجی تألیف گردیده است یادداشتهایی برداشتم. اینک که نزدیک به سی و پنج سال از آن زمان می‌گذرد آن یادداشتهای را جمع‌آوری نموده و تحت عنوان کتاب هزار گنج در دست چاپ دارم امید است با انتشار این کتاب دین خود را به عارف بزرگ شیخ‌محمود شبستری ادا نمایم. پس از فراغت از تحصیل ادبیات فارسی علاقمند تحصیل در رشته طب گردیدم در سال ۱۳۵۲ در رشته پزشکی دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) پذیرفته شدم و برای ادامه تحصیل به تهران منتقل و ضمن انجام خدمت معلمی به تحصیل طب پرداختم و در سال ۱۳۵۹ با احراز رتبه اول از دانشگاه فارغ‌التحصیل گردیدم گرچه ادامه تحصیل در رشته‌های تخصصی برایم فراهم بود ولی با توجه به نیاز شدید که مناطق محروم به پزشک داشت برای انجام خدمت به زادگاه خودم شهرستان شبستر مراجعت و به کار طبابت مشغول گشتم. مدت هفت سال و اندی در شبستر طبابت می‌نمودم و از این دوران خدمت خود نیز بسیار خرسندم چون در ایامی که پزشک بسیار کم بود و در اکثر مراکز بهداشتی و درمانی کشور پزشکان خارجی مشغول بودند توانستم به مردم بسیار قدرشناس منطقه‌ام خدمات پزشکی ارائه دهم. در سال ۱۳۶۷ با تشویق همشهریان خود کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی شدم و در دوره سوم و چهارم مجلس عهده‌دار نمایندگی مردم شریف و فرهنگدوست شبستر در مجلس بودم مهمترین خدمتی که از این دوره خدمتم دارم در سطح ملی به تصویب رساندن قانون بیمه همگانی است و از نظر منطقه‌ای نیز گرچه کارهای خرد و کلان زیادی در توسعه منطقه از نظر اجتماعی و عمرانی برداشته شد و از همه مهمتر اهتمام در گسترش آموزش عالی در شهرستان شبستر است که با مساعدت همشهریان خیراندیش و فرهنگدوست مقیم تهران و منطقه می‌باشد که این خواسته با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور عملی گردید به شکر خداوند متعال هر دوی آن امروز از مؤسسات آموزش عالی بسیار موفق هستند و در سایه آنها شهر شبستر چهره یک شهر دانشگاهی به خود گرفته است.

پس از اتمام دوره نمایندگی مدت هشت سال و اندی عهده‌دار امور بهداشت و درمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را داشتم و از مهمترین اقداماتم در این دوره سطح‌بندی خدمات درمانی است. در تاریخ ۸۳/۵/۳۱ پس از ۴۱ سال خدمت در عرصه معلمی طبابت، نمایندگی مجلس و مدیریت در سن شصت سالگی به افتخار بازنشستگی نایل آمدم و پس از بازنشستگی، جناب آقای دکتر پزشکیان وزیر محترم بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به همکاری دعوتم فرمودند و اینک نیز در پست معاونت امور مجلس ایشان مشغول خدمتم. در پایان این شرح حال که مجملی بود از مفصل زندگی آنچه لازم است میان نمایم این است که در تمام دوران زندگی به این اصول پای‌بند بودم: اتکای به خداوند متعال، مراعات تقوی، عزت و سلامت نفس، عدم وابستگی به تعلقات مادی، خدمت به مردم و مملکت و پشتکار.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

دکتر حسن امین‌لو